



## شادی از دیدگاه مولانا

### سیده فاطمه حسینی

#### چکیده:

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه‌ی اندیشه‌های مولانا در راستای هشیاری روح و درون برای رسیدن به شادی و مبارزه با نفس پرستی است. یکی از عوامل موثر بر شادی این است که ما باید روح و باطن خویش را برای دست یابی به معنای زندگی و خشنودی، و زندگی هدفمند هشیار نماییم. دین اسلام که مولوی پیرو آن بود، و همه‌ی ادیان بزرگ نیز، به پیروانشان می‌آموزند، که تا حد ممکن خویشان را با چنین چیزی منطبق نمایند. خودخواهی و نفس پرستی یکی از انواع تفکرات منفی است که می‌تواند شادی حقیقی را تحت تأثیر قرار دهد. این پژوهش به صورت توصیفی بوده و روش گردآوری مطالب آن، کتابخانه‌ای از طریق فیش برداری است. اشعار مولانا در رابطه با دست یابی به خرسندی و زندگی هدف مند، به عنوان شاهد مثال آمده است. با توجه به تحلیل ابیات مثنوی نتایج زیر حاصل شد. تنها راه‌هایی فرهنگ امروز توسط آثار و اندیشه‌های انسان دوستانه‌ی مولانا است، که توجه انسان‌های سرآمد را در جهان ادبیات به خود جلب کرده است که از نظر ادبی در جهان بی‌نظیر است. از تحقیق و بررسی در آثار مولانا می‌توان پی برد که او بعد از پشت سر گذاشتن دقایق عرفانی بسیار، به شادی که حاصل معرفت بوده، رسیده است. روان‌درمانی عارفانه، سفر درونی روح و روان به قصد آزادسازی انسان از دل‌بستگی‌های اسارت‌زا، و وابستگی‌های دردافزا می‌باشد. تا انسان از لذت اولیه و زودگذر به درآمده و خشنودی طولانی مدتی را که مبتنی بر عقلانیت و معنویت است باز یابد. عرفان مولانا انسان خودباخته‌ی معاصر را از تاریک‌اندیشی، حیات حیوانی و دل‌مردگی، به شادی و نشاط متفاوت از شادی‌های زودگذر رهنمون می‌سازد.

**کلیدواژه‌ها:** شادی، غم، عرفان‌درمانی، مثبت‌اندیشی، انسان‌دوستی